



ارتباط موسیقی و اسلام از منظر سنت‌گرایی و نقد آن مبتنی بر قرآن

محسن شهبازی^۱

مرتضی افشاری^۲

دوفصلنامه علمی مطالعات نظری هنر

سال چهارم | شماره ۶ | بهار و تابستان ۱۴۰۳

شاپا: ۰۰۳۴-۲۸۲۱ | ص: ۲۷-۳۹

چکیده

حسین نصر در چند مقاله و سخنرانی پیرامون موسیقی و نسبت آن با اسلام به تبیین این رابطه از منظر سنت‌گرایی پرداخته است. تحلیل وی از ارتباط دین اسلام و موسیقی بر مبنای ماندگاری موسیقی به معنای عام و هنر موسیقی به معنای خاص آن در جامعه اسلامی است. نصر ابتدا به مبانی نظری که منجر به حرمت موسیقی در نظر متشرعان اسلامی می‌پردازد و سپس تلاش دارد که مصادیقی را مبتنی بر تأیید ضمنی پیشوایان دینی در استفاده از موسیقی در آداب و مناسک دینی یا غیردینی ارائه دهد. اهمیت نقش تصوف از نظر نصر در حفظ، بقا و ترویج موسیقی به عنوان بخشی از میراث فرهنگی اسلام کاملاً مشهود است. این مقاله تلاش دارد با نقد آرای حسین نصر پیرامون نسبت موسیقی و اسلام مستند بر قرآن به روش کیفی و تحلیلی توصیفی، به نکاتی که از نظر نویسندگان مقاله موجب تشکیک می‌شود پاسخ دهد. اطلاعات و داده‌های این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

واژگان کلیدی: موسیقی، اسلام، سنت‌گرایی، حسین نصر، قرآن.

۱. دکتری هنر اسلامی دانشگاه شاهد، shahbazi158@gmail.com.

۲. دانشیار گروه هنر اسلامی دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران، afshari@shahed.ac.ir.

❁ مقدمه

حسین نصر در چندین سخنرانی و مقاله پیرامون موسیقی و اسلام نظراتی را ارائه کرده است که از نظر نویسنده در برخی از موارد باتوجه به آیات قرآن کریم به عنوان یگانه منبع فکری و عملی شریعت اسلام، در تعارض است. از این رو در پژوهش پیشرو، ابتدا به توصیف نظرات ایشان از نگاه سنت‌گرایی درباره چیستی موسیقی و کارکرد موسیقی در جامعه اسلامی و همین‌طور نظرات و عقاید مختلف درباره آن از جانب پیشوایان دینی و متفکران، شاعران و تصوف اسلامی می‌پردازیم؛ سپس با ارجاع به آیات قرآن نسبت به تحلیل و نقد این نظرات خواهیم پرداخت. به عقیده حسین نصر در پرسش از چیستی و ارتباط موسیقی با اسلام می‌توان سه مرحله اسلامی را در این باره در نظر گرفت؛ موسیقی مجاز در اسلام، اصطلاحات عربی رایج و انواع موسیقی

و در نهایت علائم و نشانه‌های معنویت در موسیقی (نصر، ۱۳۵۰، ۹).

حسین نصر معتقد است تصوف، موسیقی اصیل ایرانی را چنان متأثر کرده است که تا امروز نیز موسیقی عرفانی از جایگاه ویژه‌ای در موسیقی سنتی ایران برخوردار است (نصر، ۱۳۷۳، ۱۷۴). از این رو بیهوده نیست که هندوها موسیقی را اولین هنری می‌دانند که از آسمان، برای بشر فرستاده شد و عرفای مسلمان، موسیقی را بهترین وسیله اظهار لطیف‌ترین اسرار الهی می‌دانند. بنابراین تمام عالم برای عارف یک نغمه جاویدان

موسیقی است و او هستی را همواره با هماهنگی و زیبایی توأم دیده، همانطور که از راه بصر، این زیبایی را به صورت الوان و اشکال طبیعت و خلقت می‌نگرد، از راه سمع به صورت موسیقی آن را می‌شنود» (۱۶۸: ۱۳۷۵، نصر).

آنچه در این پژوهش به آن می‌پردازیم نقد آرای حسین نصر پیرامون نسبت اسلام و موسیقی با استناد به آیات قرآن کریم است؛ در واقع تلاش داریم به شبهاتی که دکتر حسین نصر در مقالات و سخنرانی‌هایی خود به ارتباط موسیقی و دین اسلام وارد کردند و سعی کرده‌اند مبتنی بر سنت‌گرایی به آن پاسخ دهند با ارجاع به آیات قرآن پاسخ دهیم.

❁ سوالات تحقیق

اما بر اساس شرع آیا موسیقی پذیرفته شده است یا خیر، یا حتی روش‌های متعددی در پاسخ به آن وجود دارد؟ یکی از دلایل این توهم و عدم آشکارشدگی در کاربرد کلمه موسیقی فی‌نفسه است. وقتی که از اسلام و موسیقی سخن می‌گوئیم آیا نباید در ابتدا مفهوم بسیار غامض آن را برای درک و فهم بیشتر توضیح دهیم؟ منظور ما از موسیقی چیست؟

❁ تعریف موسیقی

کلمه موسیقی در ترجمه‌های یونانی به عربی موزیکا و در فارسی به موسیقی ترجمه شده است درحالی‌که در عربی آنها را موزیکا برنمی‌شمرند و بنابراین ایجاد مشکل در تعریف موسیقی از اینجا آغاز می‌شود. پس مقصود ما از این لغت چیست؟ کلمه موسیقی در زبان عربی یا سایر زبان‌های کشورهای اسلامی معنای محدودتری نسبت به انگلیسی، فرانسه، آلمانی و زبان‌های اروپایی پیدا می‌کند. اصطلاحات و عباراتی در دنیای اسلام وجود دارد که مفهوم موسیقی دارند اما موسیقی نامیده نمی‌شوند. بحث علما نیز دقیقاً بر سه اجزای موسیقی است. به عنوان مثال از این اصطلاحات که مفهوم موسیقی داشته باشند بی‌آنکه موسیقی نامیده شوند می‌توان به آواهای مقدس اشاره کرد. عدم آشکارشدگی کاربرد



اصطلاح موسیقی یکی از بزرگ‌ترین مسائل گمراه‌کننده‌ای است که طی قرون متمادی ادامه داشته و نیازمند یک شفاف‌سازی در زمان حال است (نصر، ۱۳۷۳، ۱۷۰). موسیقی عبارت از اصوات و آهنگ‌هایی است که انسان را در عالمی که برای وی قابل توصیف نیست سیر می‌دهد، و چنان بر اعصاب آدمی مسلط می‌شود که گاهی می‌گریاند و گاهی انسان را می‌خندانند، گاهی اعضا و جوارح انسان را بدون اختیار به حرکت در می‌آورد، و زمانی تهییج عشق و شهوت می‌کند و آدمی را برده و غلام خود ساخته و بر اعصاب، عقل، فکر و روانش فرمانروایی و حکومت می‌کند (علم‌الهدی، ۱۳۵۲، ۵).

❁ اسلام و موسیقی

به عقیده نصر وقتی از موسیقی مجاز صحبت می‌کنیم مقصود ما موسیقی است که از لحاظ قانون الهی (شریعت) پذیرفته شده است (نصر، ۱۳۵۰، ۹). اما اتفاق نظری بر سر این موضوعات میان علما وجود ندارد. برای آن دسته از اصوات و آلات غیر موسیقی، حسین نصر ابتدا به قرائت متون دینی اشاره می‌کند که بر اساس آن قرآن باید با صوت خوانده شود. در این مورد با رجوع به قرآن متوجه می‌شویم که در سوره مزمل آیه ۴ چنین بیان شده است که "یا [مقداری] بر نصف بیفزای، و قرآن را شمرده و روشن و با تأمل و دقت بخوان" یا در سوره نحل آیه ۹۸ آمده است که "پس چون قرآن می‌خوانی از شیطان مطرود به خدا پناه بر".^۲ به طور واضح مشخص است که در آیاتی که اشاره به قرائت قرآن دارند هیچ دستوری مبنی بر تلاوت با صوت و لحن نشده است بلکه اشاره به رعایت نحوه قرائت که به زمان و سرعت خواندن بستگی دارد اشاره شده است.

در جایی دیگر حسین نصر برای اثبات این مطلب که قرآن مخالفی با موسیقی ندارد به روایتی از قرآن اشاره می‌کند (نصر، ۱۳۷۸، ۶۸) که طبق آیات قرآن انواع صوتها وجود دارد و حضرت داوود علیه السلام نیز بسیار خوش الحان بود. این در حالی است که به استناد قرآن

۱. أَوْزِدْ عَلَيْهِ وَرَزِلَ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا.

۲. فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.

سوره سبا آیه ۱۰ «و به راستی داوود را از جانب خویش مزیتی عطا کردیم [و گفتیم] ای کوهها با او [در تسبیح خدا] همصدا شوید و ای پرندگان [هماهنگی کنید] و آهن را برای او نرم گردانیدیم.» هیچ اشاره مستقیمی به تأیید صوت زیبای داوود نبی نشده است و ابدا این نکته از این آیه برداشت نمی‌شود که چون داوود نبی با با کوه‌ها و پرندگان هم صدا شده است پس موسیقی از نظر قرآن مورد تأیید است.

در حالیه در چندین آیه قرآن به صراحت درباره صوت مطالبی عرضه شده که به وضوح حکم می‌کند؛ به طور مثال در سوره لقمان آیه ۱۹ چنین آمده است که «و در راه رفتن خود میانه‌رو باش و صدایت را آهسته ساز که بدترین آوازها بانگ خران است»^۱ یا در سوره حجرات آیه ۲ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر مکنید و همچنان که بعضی از شما با بعضی دیگر بلند سخن می‌گویند با او به صدای بلند سخن مگویید مبادا بی‌آنکه بدانید کرده‌هایتان تباه شود»^۲. نصر با این استناد که این احکام ساخته بشر نبوده و از طرف خداوند ابلاغ می‌شود سعی داشته است تا اتفاق و تسامحی بین آیات قرآن و نظر شخصی خود مبنی بر گرفتن تأیید از قرآن بیان کند که متأسفانه در این مورد دچار تفسیر به رأی از آیات قرآن شده است.

در مورد اذان حسین نصر بیان می‌کند که اگر به زمان پیامبر اکرم (ص) بازگردیم همواره به صورت یک حکم با صوت بوده است (نصر، ۱۳۸۶، ۷۶). در هیچ بخش از جهان اسلام چه شیعه و چه سنی در این مورد اختلافی وجود ندارد. اذان همواره به صورت خوش گفته شده و بر اساس سنت پیامبر اکرم (ص) اذان باعث تلطیف روح بوده و درباره اذان نظریات عمیق‌تری از فقها و عالمان وجود دارد که در این سخنرانی به آن خواهیم پرداخت. نکته مهم توجه علمای دین به جنبه لهو و غنای موسیقی که باعث صدور حکم سخت‌گیرانه نسبت به موسیقی است که اغلب به حرمت و دوری از موسیقی منجر شده است؛ این احکام به استناد چند آیه قرآن اتخاذ شده است از جمله در سوره اسراء آیه ۶۴

۱. اِقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْظُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ.

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ.



که حضرت باری تعالی در خطاب به ابلیس فرمودند که «و از ایشان هر که را توانستی با آوای خود تحریک کن و با سواران و پیادگان بر آنها بتاز و با آنان در اموال و اولاد شرکت کن و به ایشان وعده بده و شیطان جز فریب به آنها وعده نمی‌دهد»^۱ یا در سوره جمعه آیه ۱۱، خطاب به مسلمانان می‌فرماید که «چون داد و ستد یا سرگرمی ببینند به سوی آن روی آور می‌شوند و تو را در حالی که ایستاده ای ترک می‌کنند بگو آنچه نزد خداست از سرگرمی و از داد و ستد بهتر است و خدا بهترین روزی دهندگان است»^۲. این در حالی است که غالباً این‌طور گفته‌اند که منظور از لهو در این جا همان صدای شیپور و نقاره و طبل و این‌جور چیزها بوده که کاروان‌های تجارته معمولاً وقتی از بیرون وارد شهر می‌شدند، می‌زدند تا مردم خبر شوند که این قافله تجارته وارد شهر شده و برای معامله با قافله بیایند. عده‌ای از مردم برای تماشا و سرگرمی می‌رفتند و خود این سر و صداها و علاوه بر این اصلاً دیدن و تماشای قافله یک سرگرمی بود. یک عده هم برای تجارت و معامله می‌رفتند. این همان چیزی است که حتی امروز هم وجود دارد. می‌دانید که هنوز هم در جاهای کوچک وقتی می‌خواهند چیزهای کهنه را بخرند، زنگ می‌زنند تا نشان بدهند که برای خرید آمده‌اند، اما از این آیه نمی‌شود برای حرام بودن موسیقی و حرام بودن لهو استفاده کرد. حتی می‌شود گفت که آیه در صدد این است که بگوید چرا این‌ها نماز پیامبر را ترک کردند و رفتند، همین‌طور که با استفاده از این آیه نمی‌شود گفت که تجارت حرام است (بهشتی، ۱۴۰۱).

❁ اسلام و شعر

در بخش دیگری حسین نصر در تعریف نسبت اسلام و موسیقی به شعر و تأثیر آن در نگرش شریعت به موسیقی اشاره می‌کند (نصر، ۱۳۷۷، ۶۳)؛ و چنین بیان می‌کند که در دنیای اسلام سنتی انواع شعر سروده شده است. همان‌گونه که در زبان عربی مشاهده می‌شود مثلاً در کتاب «الآغانی» - که در واقع به معنای کتاب آواز و شعر عربی است -

۱. اسْتَفْزِرُ مِنَ اسْتِظْعَتِ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبُ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجْلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَّهُمْ وَمَا يَعُدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا.

۲. فَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ .

اشعار آوازی بسیاری دیده می‌شود، همچنین اشعار ترکی و فارسی نیز به صورت آواز بسیار خوانده شده است. به خاطر این موضوع است که بسیاری از اشعار مسلمانان به صورت موسیقی درآمده است و بر عکس موسیقی نیز همواره یک وجه شعری نیز دارد. این دسته در دنیای اسلام خارج از موسیقی هستند و حال آنکه موسیقی می‌باشند و علمای اسلامی در رابطه با این دسته از موسیقی‌ها مخالفت کمی از خود نشان می‌دهند. در قسمت پایین جدول دسته‌هایی از موسیقی وجود دارند که در عربی موسیقی یا موزیک نامیده می‌شود که به زندگی عادی مرتبط بوده و دارای خصوصیات مختص به خود نیز هستند (نصر، ۱۳۷۳، ۱۷۵).

بر خلاف مواردی که درباره رویکرد قرآن به مسئله موسیقی و صوت که به طور صریح حکمی بر حرمت یا حلیت نیامده است، آیات متعددی بر مخالفت صریح و نفی شعر در قرآن کریم وجود دارد؛ در این مورد می‌توان به سوره یس آیه ۶۴ «و [ما] به او شعر نیاموختیم و در خور وی نیست این [سخن] جز اندرز و قرآنی روشن نیست»^۱ یا سوره شعرا ۲۲۴ و ۲۲۵ «و شاعران را گمراهان پیروی می‌کنند (۲۲۴) آیا ندیده‌ای که آنان در هر وادی سرگردانند (۲۲۵)»^۲ یا سوره الحاقه آیه ۴۱ «و آن گفتار شاعری نیست [که] کمتر [به آن] ایمان دارید»^۳ اشاره کرد. از این رو استناد حسین نصر به نقش شعر در تغییر نگرش شریعت اسلام به موسیقی و تأیید آن به این واسطه مخدوش است.

نصر از مطالب یاد شده به این نتیجه می‌رسد که در وادی این دسته‌بندی‌ها که به آنها اشاره کردم بحث بزرگی وجود دارد و بر سر مجاز بودن آنها توافق عمومی وجود ندارد. فقط یک توافق وجود دارد و آن دسته از موسیقی‌ها که محرک هستند که از نظر علما ممنوع است. در جهان اسلام افراد عموماً قادر به تشخیص این نوع موسیقی هستند؛ بنابراین تا آنجا که به شرع مربوط است طیف گسترده‌ای از موسیقی در نظر مردم وجود دارد؛ بنابراین اگر کسی ادعا کند که من مسلمان خوبی هستم و می‌دانم که موسیقی در اسلام حرام

۱. وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ .

۲. وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ، أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ .

۳. وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُؤْمِنُونَ .



است، واقعاً چنین شخصی نمی‌داند که از چه سخن می‌گوید. رابطه اسلام و موسیقی بسیار پیچیده است و این عدم وضوح و شبهه‌ناک بودن که به آن اشاره کردم نقش بسیار مهمی در بقای فرهنگ اسلامی در جهان اسلام ایفا کرده است (نصر، ۱۳۸۶، ۷۷).

❁ موسیقی و علوم اسلامی

نصر نقل قولی از علمای قرن دهم و یازدهم از کتاب مشهور اخوان الصفا در سخنرانی خود بیان می‌کند (نصر، ۱۳۷۸، ۶۹) به این مضمون که آنها می‌گویند شیرین‌ترین ملودی بهشت که اغلب اصوات زیبا و یادآور خداست و در ستایش اوست سنت را می‌سازد؛ بر اساس این مدعا نصر چنین تفسیر می‌کند که به همین دلیل خداوند متعال بالاترین نوع خوش آمد گویی را به این بندگان می‌دهد که در قرآن سلام نامیده شده است. اما با مراجعه به قرآن متوجه می‌شویم که در سوره زمر آیه ۷۳ چنین آمده است: «و کسانی که از پروردگارشان پروا داشته اند گروه گروه به سوی بهشت سوق داده شوند تا چون بدان رسند و درهای آن [به رویشان] گشوده گردد و نگهبانان آن به ایشان گویند سلام بر شما خوش آمدید در آن درآیید [و] جاودانه [بمانید]»؛ طبق این آیه هیچ اشاره‌ای به موسیقی یا حتی نغمه و لحن نشده است و صرفاً برداشتی عارفانه یا صوفیانه از این آیه است.

در بخش دیگر حسین نصر روایتی از اخوان الصفا درباره موسی علیه السلام در هنگام دریافت وحی اشاره می‌کند و چنین بیان می‌کند که موسی علیه السلام بسیار از خودبی خود می‌شد و او را بسیار دچار سردرگمی می‌کرد و از آن پس این اصوات به ملودی‌ها معنی می‌شد؛ این موسیقی عالی‌ترین نوع موسیقی بود که او شنیده بود، از این رو نصر مدعی می‌شود به همین دلیل آنها از موسیقی در این سطح به خوبی دفاع کرده‌اند. اما در روایت قرآن از این اتفاق به گونه دیگری است، در سوره طه آیات ۱۳ و ۱۴ خوانند متعال در خطاب به موسی علیه السلام می‌فرماید: «و من تو را برگزیده ام پس بدانچه وحی می‌شود گوش فراده، منم من خدایی

۱. سَبِّحِ الَّذِينَ آمَنُوا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ.

که جز من خدایی نیست پس مرا پرستش کن و به یاد من نماز برپا دار^۱. هنگامی که این سوره را که تقریباً همه آیات آن اشاره به بعثت موسی عَلَيْهِ السَّلَام دارد، بررسی می‌کنید به این برداشت اخوان الصفا و به تبع حسین نصر نخواهیم رسید. این که اخوان الصفا در روایت خود از این اتفاق بر چه مستندات متکی بودند محل بحث این پژوهش نیست ولی نکته مهم استفاده حسین نصر از این گونه تعبیر عارفانه و صوفیانه از آیات قرآن است که جز در جهت تلطیف و زدودن چهره به ظاهر ضد موسیقی در اسلام بر پایه قرآن نیست.

❁ موسیقی و تصوف

در پایان حسین نصر با ارجاع به تأثیر تصوف بر موسیقی و تأثر از آن، درباره نحوه اجرای آن نیز مطالبی را بیان کرده است (نصر، ۱۳۷۳، ۱۷۷). نصر با ارائه این مطلب که در واقع هدف و نتیجه گیری از او تمامی مطالبی است که تا کنون مطرح کرده است، سعی دارد تا نقش تصوف به عنوان بطن شریعت اسلام، در تأیید، تصدیق و حفظ موسیقی در اسلام را تبیین کند. در این مسیر نصر با اتکا به تعاریف متصوفه از و تفسیر آن نقش پر رنگ نصوف را در به کارگیری موسیقی به بخش جدایی ناپذیر در سنت اهل طریقت، اثبات کند؛ از این رو بیان می‌کند که تمرین عملی موسیقی در تصوف اسما نامیده می‌شود که از کلمه سمیع می‌آید و از منظر تکنیک های واقعی معنوی در برخی از آموزه های متصوفه حتی نسبت به تقدم موسیقی به دعا و درخواست از خدا تاکید شده است. موسیقی در تصوف بسیار گسترده است به طوری که تا اجرای یک ارکستر نیز پیش می‌رود. بنابراین اشکال مختلفی از موسیقی از ساده تا پیچیده و از ریتم و ملودی ساده تا ترکیب پیچیده آن دو وجود دارد. معمولاً پس از ترکیب صوتی آیات و سرودن اشعار و دعاها توسط پیش نماز یا بزرگان جماعت به صورت خوش صوت روح را برای آخرین مرحله که همان دعا است آماده نموده و به جمع معنویت خاصی می‌دهد.

۱. وَأَنَا الْخَيْرُ نَك فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى، إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي.



❁ نتیجه‌گیری

سنت در نظر سنت‌گرایان از مرتبه بالاتری نسبت به شریعت و دین قرار دارد؛ به عقیده ایشان دین بخشی از سنت است و در نتیجه هنر دینی در مرتبه نازل‌تری قرار خواهد گرفت. سنت به اعتقاد سنت‌گرایان به‌عنوان یک امر قدسی از آغاز آفرینش در عالم کائنات جاری بوده است و ادیان مختلف تنها بخشی از سنت جاری در هستی به شمار می‌روند. از این رو به نظر ایشان، آنچه باقی است و باقی خواهند ماند تنها باید از سرچشمه سنت نشئت گرفته باشد. موسیقی نیز به اعتقاد حسین نصر به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان سنت‌گرایان از این دایره مستثنی نیست. نصر با بیان ادله‌ای تاریخی و به عقیده خود مبتنی بر قرآن ابتدا سعی در تلطیف چهره به‌ظاهر خشن و ضد هنری و مخصوصاً ضد موسیقی از اسلام دارد؛ بنابراین با بیان آیاتی از قرآن تلاش می‌کند نظر اسلام را درباره موسیقی تبیین کند. ولی نصر معتقد است آن چه که باعث حفظ موسیقی در دین اسلام شده است نه فقط اتکا به این آیات بوده بلکه باطن شریعت اسلام یعنی تصوف بوده است. تصوف در واقع سنتی است که به امر مقدس توجه دارد و امری سنتی است که بوده، هست و خواهد بود؛ آن چه که از اسلام در نظر سنت‌گرایان مطلوب و مقصود است نه شریعت آن که تصوف اهل باطن است. تفسیر به رأی از آیات قرآن و عارفانه بدون پایبندی به متن از خصوصیات حسین نصر در این مسیر بوده است. او سعی می‌کند به‌ظاهر با این‌گونه تعابیر به اسلام اعتبار از دست‌رفته خود را در برخورد علمای اسلامی با موسیقی را برگرداند. اما مقصود نهایی وی تنها اثبات این مطلب است که آن چه در اسلام باعث شده است که موسیقی بعد از آن که توسط اهل شریعت مورد تحریم قرار گرفت همچنان باقی بماند، تنها به اعتبار امری قدسی در بطن شریعت اسلام به اسم تصوف بوده است. این در حالی است که با غور در آیات قرآن هیچ نشانه‌ای از ضدیت اسلام و قرآن با موسیقی مشاهده نمی‌شود و این رویکرد ضد موسیقایی تنها از دیدگاه مفسران و علمای دینی بوده است. پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که حسین نصر سعی داشته است در برخورد با این موضوع یعنی نسبت اسلام و موسیقی، نقش شریعت و به

طور اخص قرآن در برابر نقش تصوف و اهل باطن را کم رنگ جلوه دهد که با مطالب و آیاتی که از قرآن مطرح شد نه تنها این رویکرد باطل است و بلکه خود قرآن بدون نیاز به هیچ تعبیر و تفسیری دلیلی است بر عدم حرمت و ترد موسیقی در اسلام.

منابع ❁

۱. قرآن کریم.
۲. ۱۳۵۰. تصوف و تأثیر آن در موسیقی. نصر، سید حسین. مجله: معارف اسلامی (سازمان اوقاف)، فروردین، شماره ۱۲، صص ۸ تا ۱۳.
۳. ۱۳۵۲. ساز و آواز. علم الهدی، سیدمرتضی. قم، انتشارات پیام اسلام.
۴. ۱۳۷۳. تصوف و تأثیر آن در موسیقی. نصر، سید حسین. شماره ۲۶، فصلنامه هنر، صص ۱۶۹-۱۷۸.
۵. ۱۳۷۷. تصوف و تأثیر آن در موسیقی. نویسنده: نصر، سید حسین. مجله: مقام موسیقایی « پاییز و زمستان، شماره ۳، صص ۶۰ تا ۶۵.
۶. ۱۳۷۸. پاسخ به مقاله تصوف و تأثیر آن در موسیقی؛ نصر، سید حسین؛ مجله: مقام موسیقایی « تابستان و پاییز، شماره ۵، صص ۶۷ تا ۶۹.
۷. ۱۳۸۶. صدای دوست (موسیقی در دنیای مذاهب). دین پرست، منوچهر؛ نصر، سید حسین. منبع: خردنامه همشهری مهر، شماره ۱۹.
۸. ۱۴۰۱. دیدگاه متفاوت شهید بهشتی درباره موسیقی. بهشتی، سید محمد. به نقل از: <https://www.isna.ir/news/1400040704917>

